

## عشایر کرد

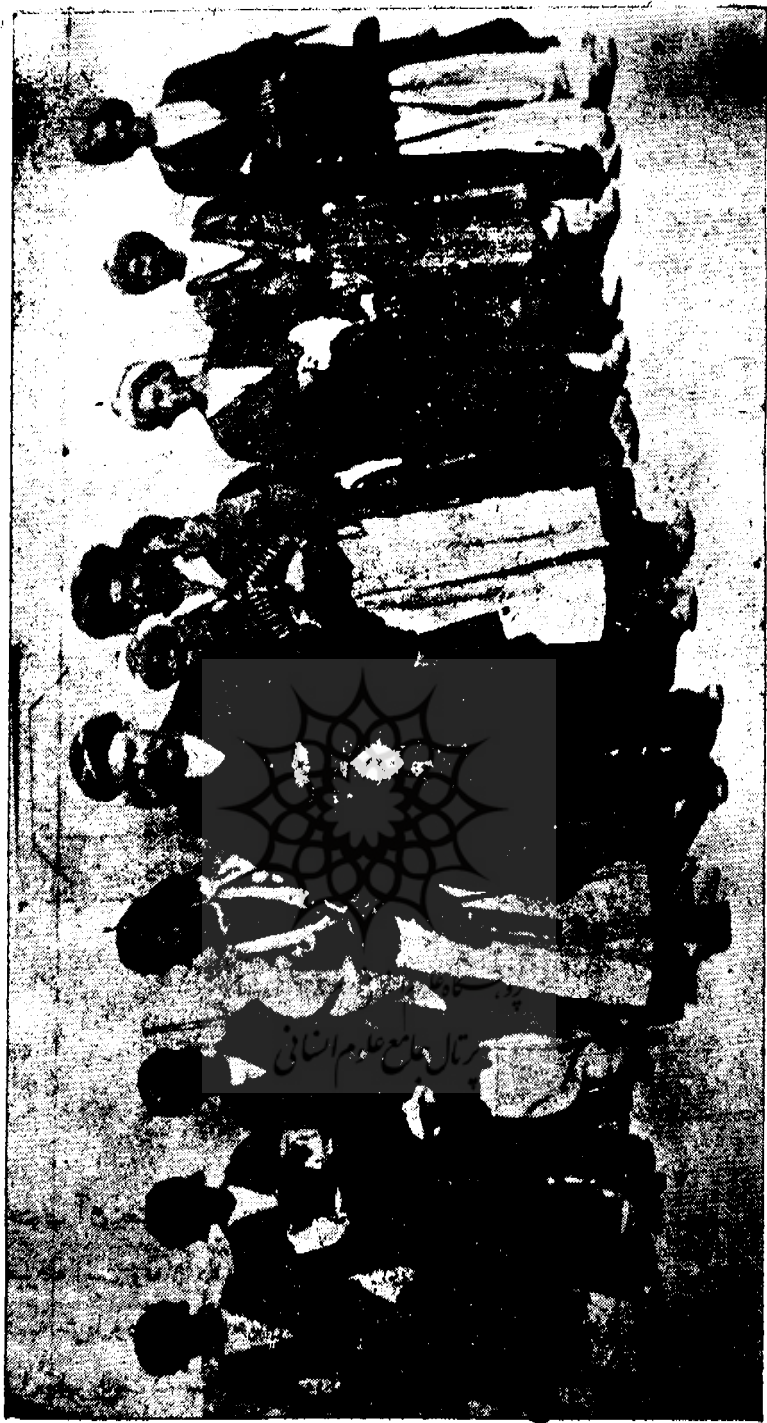
۱ - طوایف سنجابی

بقلم آقای محمد کیوان پور مگری

- ۴ -

مجال و مناطق قشلاق - قسمت اعظم مناطق قشلاقی ایل سنجابی در خاک زهاب اصلی بخصوص در قسمت های کم ارتفاع و دنباله های مرتفعات طویل آن بوده است که تا زمینهای خاتین و قزل رباط و همچنین تا حوالی مندلیج قسمت های مسطح و هموار وی امتداد داشته . زهاب اصلی (نه زهاب باصطلاح فعلی که بمنطقه کوچکی اطلاق میشود و قسمت غربی آن فعلاً از خاک ایران منتزع گردیده و جزء خاک عراق است) شامل شهر قدیمی حلوان و نواحی و جبال و دره ها و جلگه ها و مراتع و دهات حاصلخیز و وسیع دیگری بوده است که سابقاً یکی از ایالات بزرگ ایران را تشکیل میداده است و هنوز آثار شهر و بنای مستحکم قلاع و جاده ها و رودخانه ها و مستحکمات دفاعی آن بشکل ویرانه موجود و در بین قله کوههای دالاهو و مناطق ریزاب و قصبه سر پل و سرخه دیزه و در دره ها و ازاره های کوههای سرحدی ایران نمایان است .

قسمت کوهستانی این منطقه که همان قسمت شرقی و شمالی زهاب است مسکن زندگانی ایل گوران و قسمت غربی آن بخصوص جلگه ها و مراتع حاصلخیز آن مسکن قشلاقی ایالات گسوران و سنجابی و کلهر و قسمتی از ایالات قبادی و باباجانی و ولد بیگی و باباجلان و شرفبانی و طالبانی و دلو ( این چهار طایفه اخیر فعلاً از



مرحوم شہزادان مصمم ارنمالک باعدہ ای ازخا با و شہزادان

طوایف اکراد عراق محسوب میشوند) و سایر ایلات جاف جوانرود و اورامان بوده و بعضی قسمت های دیگر آن بخصوص زمینهای میان قوره توو قصر شیرین و ناحیه آقداغ که در حقیقت دنباله مرتفعات زهاب است و همچنین نواحی واقع در قسمتی از



عده ای از زنان سنجایی

جنوب آن یعنی قلعه سبزی و باغچه و قطار تنها محل قشلاقی ایل سنجایی بشمار میرفته است و فعلاً دشت زهاب که دارای مراتع حاصلخیز و پر علف است و در شمال قصبه سرپل و در دامنه کوههای دالاهو واقع شده است محل قشلاقی عده ای از خوانین ایل کلهر است که سنجاییها و گورانها و سایر ایلات با دادن حق الترتع از آن نیز

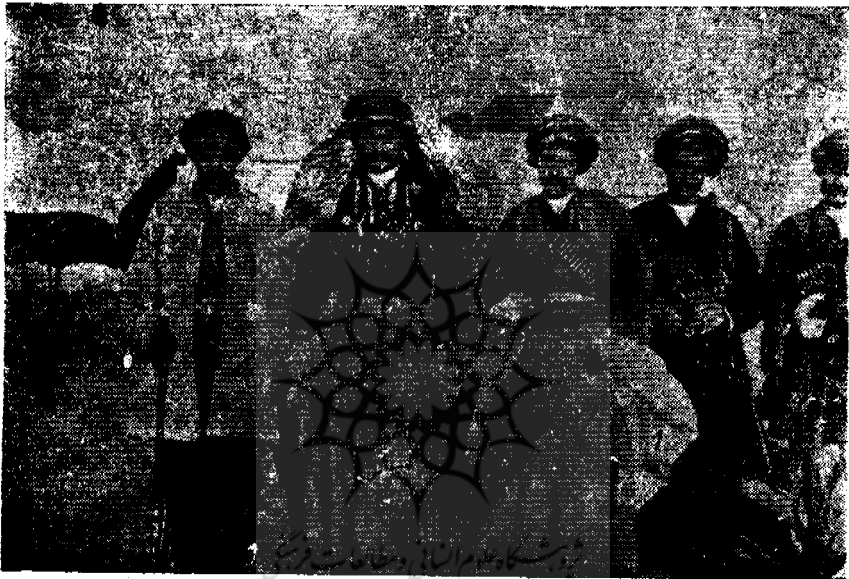
استفاده میکنند و این قسمت در شمال قشلاق اصلی و قدیمی ایل سنجایی واقع میباشد و چنانکه سابقاً اشاره شد این منطقه بجای مناطق از دست رفته واقع در خاک عراق در زمان شاه سابق بسنجاییها و اگذار شده و باستناد صورت مجلس مورخه جمادی الثانیه ۱۳۳۲ هجری قمری (مطابق مه ۱۹۱۴ میلادی) که قبلاً سواد آن عیناً نقل شد زمینها و مراتع سنجایی « تا جلگه های مابین خاتقین و قزل رباط و ساحل یمین آب نفت و ساحل یسارگیلان منبسط بوده است و سنجاییها این نقاط را مانند ملک شخصی خود تصور نموده و مالیاتی بیفداد نمیرداخته اند » و همچنین باستناد همان صورت مجلس « محل چادرهای سنجایی تا مشرق جبل باغچه مابین آب نفت و الوند وجود داشته و مراتع خود را بنا بر شهادت نمایندگان رسمی روس و انگلیس در باغچه منحصرأ مابین خودشان معاوضه و بفروش میرسانیده اند و نیز قبائل دیگری وجود نداشته اند که بمراتع مزبور در نزدیک باغچه آمده بتوانند مالکیت سنجاییها را انکار نمایند .

**زهاب** - با اینکه در هنگام بحث از ایل گوران بتفصیل بذکر کلیه نواحی و جبال و دهات و مراتع زهاب خواهیم پرداخت ، باز در اینجا از لحاظ ارتباطی که این ناحیه با مسکن قشلاقی ایل سنجایی دارد از آن موضوع بطور اجمال مختصری مینویسیم .

**حدود زهاب** - حد شمالی زهاب مصب یا محل التحاق رودخانه زمکان ۱ برود دیاله یا باصطلاح محل رود سیروان و همچنین محل جوانرود است که تا قسمتی از مشرق این ناحیه امتداد می یابد . حد شرقی زهاب نیز محل جوانرود و قلعه زنجیر و کردند و قسمتی از انشعابات و ارتفاعات غربی کوههای دالاهو و رودخانه زمکان است . حد جنوبی زهاب کوه زنگلیان و شاله کوش و امتداد رودخانه الوند تا محل ریختن آن بر رودخانه سیروان یا دیاله است . بعد از گذشتن آن از خاتقین و دکه و قلعه . حد غربی زهاب از اراضی سلیمانیه است که تا قسمت جنوبی این ناحیه یعنی محل التحاق

۱- نام این رود را « زمکان » نیز ضبط کرده اند .

الوند برودخانه سیروان امتداد می یابد و این منطقه یعنی حد غربی زهاب شامل اراضی سلیمانیه و میدان و بن کوره و قلعه تاحدود خانقین و قزل رباط است که از آنجا کمی بطرف جنوب منحرف شده تا آب نفت و مندلیج ادامه پیدا میکند و فعلاً خط جدید سرحدی زهاب را بدو قسمت شرقی و غربی یا قسمت کوهستانی و جلگه تقسیم کرده و بموجب آخرین معاهده ایران و عثمانی راجع باین حدود یعنی قرارداد



قائم خان سردار لاسر و محمد بیک

۱۹۱۴ قسمت غربی یعنی قسمت مسطح و پست آن ضمیمه خاک عراق فعلی گردیده است و قسمت شمالی قصر شیرین یعنی تمام نواحی طوایف باجلان و طالبانی و شرف - باینی که از جمله طوایف کرد ایران محسوب میشدند از سرحد خارج و ضمیمه خاک عثمانی یا عراق فعلی گردیده اند و شاید اگر مقاومت سنجایی ها و مجاهدات محلی مرحوم صمصام الممالک بکمک مأمورین دولتی ایران نبود سرحد ایران و عثمانی از حدود فعلی هم تجاوز کرده بیشتر منطقه زهاب تا حوالی کوههای دالاهو و کوه

بابا یادگار نیز جزء خاک عثمانی میگردید زیرا که عثمانی ها مدعی کلیه نواحی سرحدی ایران تا حدود کردند و مأمورین نظامی عثمانی مکرر تا سر پل زهاب پیش آمده بچنگ یا تطمیع یا تحریک میخواستند این مناطق را بکممک و شهادت عشایر سرحدی بچنگ آورند ولی در کلیه این وقایع و در هنگام عقد قرار نامه و تحدید حدود ها سنجاییها که سرحد داری ایران در آن نواحی در این هنگام بآنها سپرده شده بود ایستادگی کرده نگذاشتند سرحد ایران را پیش تر بیاورند و از آن جمله ناحیه باغچه و قطار بود که کلیه آنرا عثمانیها تصرف کرده بودند سنجاییها علاوه بر آنکه نمایندگان دول ذمیمدخل را بنوشتن صورت مجلس مذکور واداشتند قسمت باقیمانده فعلی را نیز با کوشش هرچه تمامتر حفظ کرده همچنان در تصرف دولت ایران نگاه داشتند .

علاوه بر شغل راهداری و سرحد داری این ناحیه که مدتها از طرف دولت بسنجاییها واگذار شده بود و رؤسای سنجایی با سوارانی که در آن زمان آنها را قره سوران میگفتند پیوسته در قلعه سبزی واقع در جنوب قصر شیرین بحفظ امنیت راه و سرحد می پرداخته اند . سالیان دراز مرحوم شیرخان صمصام الممالک که تنها کسی بود از میان مردان این نواحی که بلبق جناب از طرف مرکز مفتخر شده بود در قصر شیرین حاکم و ضمناً سرحد داری کلیه آن نواحی بوی سپرده شده بود .

اوان حکمرانی صمصام الممالک در قصر شیرین که در آن موقع عنوان آن کمتر از حکمرانی کرمانشاه نبود مصادف با مهاجمات و تحریکات زیادی از طرف عثمانیها در نقاط سرحدی آن نواحی بود که در تمام این مدت صمصام الممالک بنحو احسن ایستادگی کرده با کمال تدبیر و قدرت بر رفع مشکلات محلی میپرداخت و پیوسته با ایل و عملة خود حاضر و آماده بود و دقیقه ای غفلت نمیورزید حتی کمال مراقبت را داشت که چادر های اردوی عثمانی که مدتها بآن نواحی آمده و میخواستند با وعده های بیجا و طفره روز بروز جلوتر آمده حق تصرفی در سرحدات ایران پیدا

کنند ذره‌ای پیشتر نیاید و اگر مجاهدات و بی‌طبعی و تدبیر این مرد نبود شاید کوه باطاق و تمام نواحی اطراف آن تا حدود کرند که امروز بمنزله بزرگترین سد های طبیعی و دفاعی و مشابه دروازه و قلعه مستحکم غرب ایران بشمار میرود از ایران منتزع و بتصرف دولت عثمانی در می‌آمد. در این باب قصه‌ها و خاطرات زیادی در



علی اکبر خان سردار مقتدر

میان اهالی این نواحی در باره شیر خان شهرت دارد که علی العجاله از ذکر آنها خود داری میشود -

اساساً درباره مناطق سرحدی ایران با دولت عثمانی از زمان شاه صفی و سلطان مراد رابع سلطان عثمانی اختلافاتی موجود بود و از زمان نادرشاه تا قتل و غارت محمره



بدست علیرضا پاشا حاکم بصره در زمان محمد شاه اگرچه دعاوی سرحدی باقی و نقاط سرحدی روشن نشده بود ولی قضیه همینطور مسکوت بود و در نامه‌ها و یادداشت‌های دولتین ایران و عثمانی «بقرار قبلی» از آنها تعبیر و یاد میشد و دولت عثمانی همیشه مبنی و مهالک خود را نامه‌ای میدانست که در شوال سال ۱۰۴۹ هجری قمری سلطان مراد رابع برای شاه صفی نوشته بود ولی در نظر اولیای دولت ایران آن نامه قابل اعتبار و صحتی بشمار نمی‌رفت.

در رجب سال ۱۲۵۴ هجری قمری در حین محاصره هرات در زمان محمد شاه، علیرضا پاشا حاکم بصره بنا بدستور دولت متبوعه خود یا برانز پيشرفت و آبادی بندر محمره که سبب ویرانی و از رونق افتادن بصره شده و این معنی بطبع وی گران آمده بود موقع را مغتنم شمرده غفله محمره را غارت و آنجا را تصرف کرد. پس از مذاکرات بسیار دولت عثمانی نه تنها هایل برد خسارات محمره نمیشد بلکه در تمام سرحدات غربی ایران ادعاهای ناروا و تازه‌ای پیدا کرده بود و واگذاری بندر و لنکرگه محمره را برد و واگذاری نقاطی از سرحدات غربی ایران بخصوص زهاب و برسمیت شناختن شهر سلیمانیه بملکیت دولت عثمانی منوط میدانست تا بالاخره در سال ۱۲۶۳ هجری قمری در ارزنة الروم عهد نامه‌ای شامل نه فقره میان سلطان - عبدالحمید و محمد شاه بتوسط نمایندگان رسمی آن دو پادشاه منعقد و امضاء گردید اما پس از چندی دولت عثمانی نسبت با اجرای مواد نه گانه عهد نامه ارزنة الروم بنای امر را بطفره گذاشته و بعنوان اینکه بعضی از مواد این عهد نامه محتاج بتفسیر و توضیح است اجرای آنرا منوط بقبول ایضاحات چهارگانه مربوط بچهار فقره از عهدنامه که بوسیله سؤال از مأمورین واسطه یعنی دولتین روس و انگلیس بعمل آمده بود میدانست و چون میرزا محمد علیخان شیرازی سفیر پاریس که در این امر هیچ گونه مأموریت رسمی نداشته و باغواوی دولت عثمانی هنگام اقامت در استانبول آنرا امضاء کرده بود دولت عثمانی پافشاری کرده اجراء فقرات نه گانه عهدنامه ارزنة الروم را منوط بقبول ایضاحات چهارگانه میدانست. بالاخره از طرف دولت ایران میرزا -



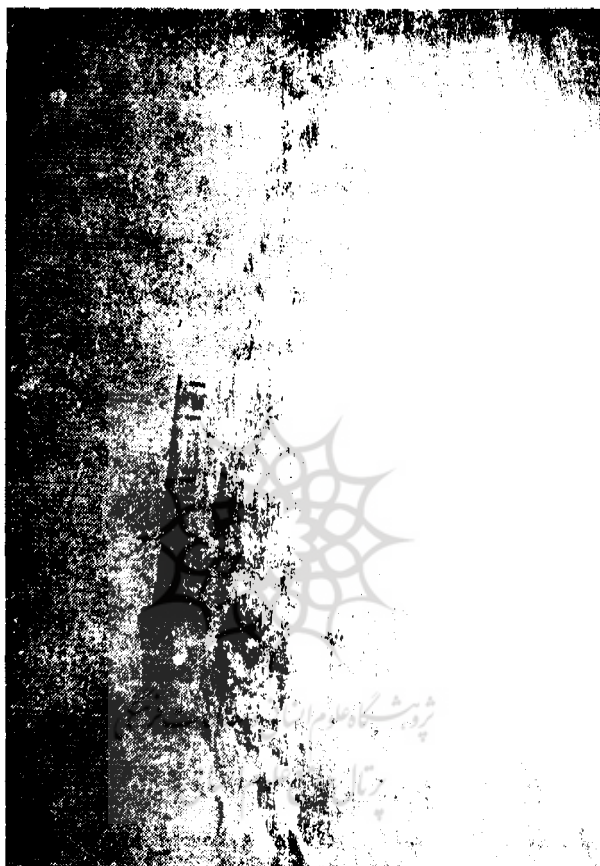
جعفرخان مشیرالدوله و از طرف دولت عثمانی درویش پاشا تعیین گردیدند که بمناطق سرحدی برای تحدید حدود رفته مجالس مکالمه‌ای تشکیل دهند. در اینجا تنها بنقل فقره دوّم عهد نامه و ایضاح دوّم که مربوط بمنطقه زهاب و عشایر آن حدود است پرداخته سپس برای روشن شدن مطلب و اطلاع از دعاوی طرفین در باره زهاب عین تقریرات نماینده عثمانی و نماینده ایران و حکمیت نمایندگان دولّین روس و انگلیس را از روی یادداشت‌های میرزا جعفرخان مشیرالدوله که موسوم برساله سرحدیه است (نقل از نسخه خطی متعلق بقایای عباس اقبال مدیر محترم مجله یادگار) نقل میکنیم بقرار ذیل :

« ... فقره دوّم - دولت ایران تعهد میکند که جمیع اراضی بسیطه ولایت زهاب یعنی اراضی جانب غربی آنرا بدولت عثمانی ترک کند و دولت عثمانی نیز تعهد میکند جانب شرقی ولایت زهاب یعنی جمیع اراضی جبالیه آنرا مع دره کردن بدولت ایران ترک کند و دولت ایران قویاً تعهد میکند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هرگونه ادعا صرف نظر کرده بحق تملکی که دولت عثمانیه در ولایت مذکور دارد وقتاً من الاوقات یکطور دخل و تعرض ننماید و دولت عثمانیه نیز قویاً تعهد میکند که شهر و بندر محمره و جزیره الخضّر و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایرانست بملکیت در تصرف دولت ایران باشد و علاوه بر این حق خواهند داشت که کشتیهای ایران با آزادی تمام از محلی که شط العرب بیحرمنصب میشود تا موضع التحاق حدود طرفین در شهر مذکور آمد و رفت نمایند. »

« سؤال دوّم ۱۴ - دولت عثمانی سؤال میکند از شرح باقی آن فصل که در باب

۱ - نقل از رساله سرحدیه میرزا جعفرخان مشیرالدوله نسخه خطی متعلق بقایای عباس اقبال. میرزا جعفرخان این قسمت را از سواد استیضاح دولت عثمانی و ایضاحات سفرای واسطه موافق قلمداد میرزا محمد علیخان نقل میکنند و گویا اصل فارسی آنرا در دست نداشته و بهمین جهت عبارات آن قدری مفشوش است .

عشایر حقیقی تبعه دولت ایران که آنها میتوانند سکنی داشته باشند نصف آنها در خاک ایران باشند و نصف آنها در خاک عثمانی در این حالت ایران میتواند آن خاک عثمانی



نعمه جوانمیر در قصر شیرین

مهر حکومت صمصام‌الممالک

را متصرف شود و با آنها تعلق یابد و چندی بگذرد دولت ایران آن زمین عثمانی را متصرف شود.

جواب سیفرای متوسطین: مأمورین دولت ایران بهیچوجه نمیتوانند بدست

بیاورند مملکتی را که در سمت یمن شطالعرب است نه زمینی را که در سمت یسار است و متعلق بدولت عثمانی است اگرچه عشایر ایران نصف یا همه در طرف دست راست یا اراضی دست چپ که تعلق بعثمانی دارد سکنی کرده باشند».

درویش پاشا قبل از اینکه در مجلس مکالمه دول چهار گانه حاضر شود قبلاً ناحیه قطور را متصرف شده و شروع بتحریکاتی در تمام نقاط سرحدی ایران و عثمانی نمود، میرزا جعفرخان مشیرالدوله از این عمل مکدرشده بهچوجه تا قبل از رد ناحیه قطور بدولت ایران حاضر نمیشد که در مجلس مکالمه حضور بهم رساند، بالأخره پس از وساطت مأمورین متوسطین روس و انگلیس در سال ۱۲۶۸ مجالس متعدد مکالمه تشکیل گردیدند در این مجالس درویش پاشا نهایت اشکال تراشی را کرده در دعای مربوط بدولت خود مبالغات و سفسطه های بیشمار میکرد چنانکه میرزا جعفر خان مشیرالدوله در این باب در رساله مذکوره خود چنین مینویسد:

«... اراضی زیر بند پشتکوه را چنانکه حرکت و گردش درویش پاشا دلالت میکرد از توابع عراق عرب و ایوان و سومار و پشته گیلان و برپلنگ و عموم مراتع قشلاقیه عشایر و طوایف ایلات کرانشاه را بنحوی که صحبت درویش پاشا دره مجالس زهاب اشعار و ابهام داشت با اینکه از مبدا حدود تا اینجا ابداً و هیچوقت دولت عثمانیه و مأموران آن دولت مدعی هیچیک از اراضی مفصله و املاک مزبوره نشده حتی در مجالس ارزنة الروم نیز ذکری نکرده اند از توابع مندلیج و دیره و قلعه شاهین و بشیوه و کلین کرمانشاهان را چنانکه درویش پاشا صراحة در مجلس زهاب ذکر نمود از توابع زهاب ... محسوب و از جمله ممالک عثمانیه معدود داشته از دولت ایران مطالبه مینمود ...»

ترجمه تقریر درویش پاشا مأمورد دولت عثمانی که بتاریخ هفتم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۸ در مجلس مکالمه زهاب در ضمن نوشته ابراز و قراوت شده چنین است:

«معلوم است که باقتضای معاهده اخیره اراضی جبالیه سنجاغ زهاب یعنی شرقیه

آن بطرف دولت ایران و اراضی بسیطه یعنی غریبه آن بطرف دولت علیه خواهد ماند. نظر باستکشافات من که این دفعه و وقوع یافته است اراضی جبالینه سنجاغ مزبور یعنی شرقیه آن عبارت از کوه داله هو و کوه سارا وند است که در پشت درنه اتفاق افتاده و همچنین عبارت از سایر کوههای مرتفعه واقع در آن نزدیکیهاست و اراضی بسیطه یعنی غریبه آن عبارت از اراضی بسیطه واقع در سمت بالا و پایین کوه بان زرده و از صحاری واقع در مغرب کوههای درنه و شمال کوه داله هو و از مسطحات شیخان و میدان و قوره تو است اگرچه در درون این اراضی بسیطه اینجا و آنجا تپه های خرد و بزرگ و يك دوتا اراضی مرتفعه که کوه میتوان گفت هستند و لکن قطع نظر از اینکه آنها هم بکوههای درنه و سارا وند و داله هو بحکم تپه های کوچک داخل خواهند شد همگی در طرف غربی سنجاغ مزبور و میان اراضی بسیطه آن اتفاق افتاده اند همچنانکه در مابین کوههای مذکوره داله هو و سارا وند و درنه و بالای آنها نیز اراضی بسیطه بسیار هست بدین تقدیر نظر بمضمون عهد نامه سلسله کوههای مذکوره داله هو و سارا وند و کوههای حوالی درنه بطرف ایران و کافه اراضی واقع در جانب غربی و غربی شمالی آن بطرف دولت علیه میماند. حد فاصل اراضی طرفین از سر میل شروع کرده با قلل موسوم به بله کی و دروند چو و کله سیاو و کانی کلبعلی که در دامنه جانب غربی جنوبی داله هو واقع هستند رد شده از کدوک در تنگ که در طرف غربی ریجاب است و از قله موسوم به بنوایاران که در مشرق قریه یاران است گذشته بالتزام قله از تنگه بابا یادگار قدری بشرقی شمالی پیچیده باز بهمان قله موسوم بسراوه و از آنجا از بالای پرتگاهها و قلیبهای (۱) بلند رو بشمال کوه داله هو مرور کرده بمحل موسوم بقلمه زنجیر و از آنجا بکوه بنی گو که از سلسله کوههای جانب غربی درنه معدود است بر خورده پس از آن بجانب شمال برگشته از محلهای موسوم به سیاتاور و خره ره و بالای سلسله کوههای خلفه شور گذشته بکوه موسوم به میزله رسیدیم بعد از سلیمانیه بر میخورد پس در این صورت بالای کوه بزرگ داله هو و نفسی درنه و حوالی آن و

تمامی کوههای بزرگ، واقعه در آن حوالی و صحرای میراوا و تمامی صحاری و مزاعی و قری و نواحی واقعه در مابین آن کوهها بانضمام دره کردند بطرف دولت ایران و جاده طاق که از سرمیل تا دره ماراسبان پایین می آید با قریتین یاران و زرده که در روی کوه بان زرده واقعد بانضمام باغات قریه ریجاب که در سمت غربی کدوک در تنگ اتفاق افتاده اند و نواحی کلین و دیره و قلعه شاهین و بشیوه و زهاب و جگیران و پشتکیف و صحاری دشت لیل و دشت مورد و دشت حر و وان سر و کیسله و هوله و خانه شور واقعه اند کافه بطرف دولت علیه میماند و همچنین تمامی اراضی و مزارع و مراعی و محلهای موسوم به شیخان و حورین و هرشل و میدان و قوره تو و قصر شیرین نیز کافه با توابع و لواحق بالطبع بطرف دولت علیه خواهند ماند.

سواد تقریر میرزا جعفرخان مشیر الدوله نماینده ایران که بتاريخ هفتم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۸ در مجلس مکالمه زهاب در ضمن نوشته ابراز و قرائت شده است :

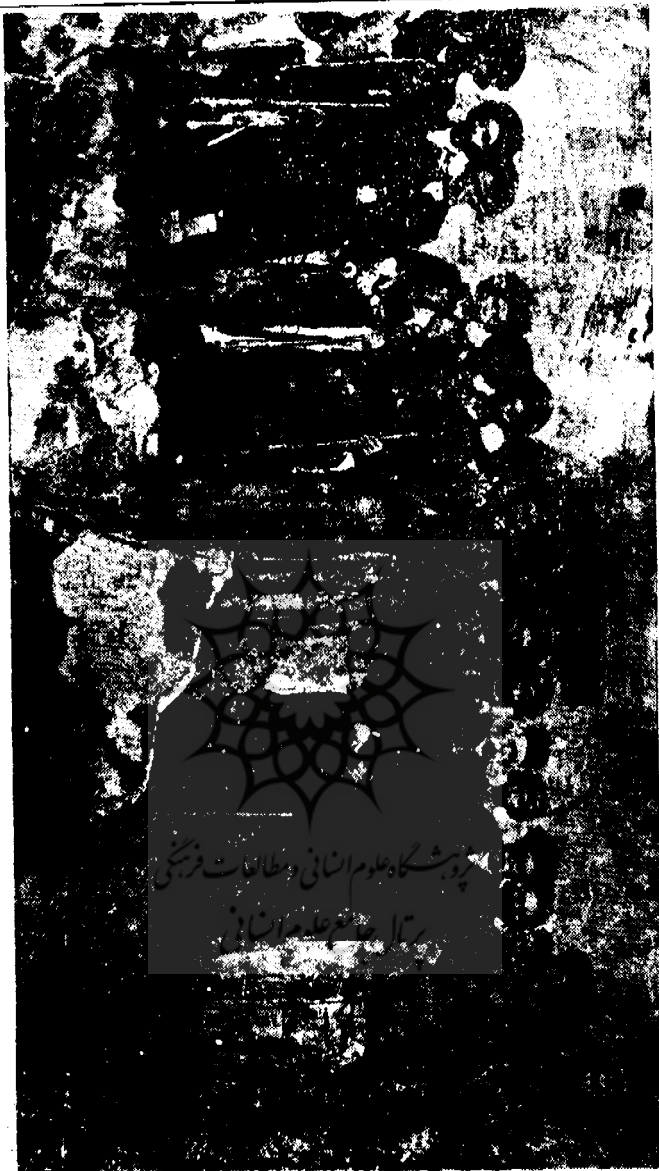
« دیروز که جناب پاشا در مجلس مکالمه بخلاف معمول از ابتداء کردن بادعای خود در تعیین خط سرحد ولایت زهاب نکول فرموده باینجناب تکلیف مبادرت نمودند جناب مأمورین متوسطین هم بجهت رفع این تکلیف بیحساب و پیشرفت کار چنین مصلحت دانستند که هر دو خیال و ادعای خود را نوشته بکدفعه در مجلس امروزه ابراز نمایم لهذا لازم آمد که مخلص نیز سعی کرده مکنون خاطر اولیای دولت متبوعه خود را بطور غایت اختصار موافق نص صریح عهد نامه بیان نماید اولاً ضرور نمیدانم که بخاطر جناب پاشا و جناب مأمورین متوسطین که من جمله یکی در حین انجام قرار نامه ایزنه الروم معین و حاضر بود اخطار و تذکار کنم که ما حالا در اینجا برای تقسیم تمامی ولایت زهاب جمع شده ایم نه برای قسمت کردن این پارچه زمین که از چادر های خودمان ملاحظه میکنیم. البته ولایت زهاب را مهندسین جناب پاشا دیده و مشاهده کرده اند که حد غربی و شمالی آن رودخانه دیاله مشهور بسیروان است از محلی که رودخانه ضمکان برودخانه مرבור ملحق میشود الی التحاق رودخانه الوند

که منبع آن دره ریجابست و از میان شهر قدیم حلوان میگذرد و رودخانه مذکوره و حد جنوبی آن رودخانه الوند است و حد شرقی آن از طرف غربی بعضی ملحقات سلسله شمالی داله هو و رودخانه ضمکان است اگرچه مباشرین دولت عثمانیه الآن بلوکات معتبره زهاب را که عبارت از حاجی قرا و دکه و قله و بن کوره و غیره باشد بخیال اراضی بسیطه غربیه متصله ضبط و تصرف کرده اند ولیکن در تقسیم کردن ولایت زهاب و طراحی سرحد آن که باید در میان دو دولت قوی شوکت اسلام اند الدهر باقی و برقرار بماند موافق مفهوم و نص صریح قرارنامه آخری در داخل نمودن بلوکات مزبوره که مابین التقای دو رودخانه مذکوره واقع است بگفتگوی حال نمیتوانم بخیال خود هیچ شك و شبهه راه دهم اکنون که بخیال خود موافق حق و حقیقت حدود ولایت زهاب را بدون زیاده و نقصان بیان نمودم بالمآل مضمون قرارنامه و نص صریح آن که اراضی شرقیه جبالیه تمامی ولایت زهاب بدولت ایران متعلق است و اراضی بسیطه غربیه بدولت عثمانیه زحمت افزا میشود که جناب پاشا و حضرات مأمورین متوسطین بدون شك و شبهه البته ملاحظه کرده اند که اراضی شرقیه جبالیه از کجا بکجا گرفته و بکدام محل منتهی میشود لهذا ادعای مخلص برای حد جبالیه شرقیه ولایت زهاب باینقرار است که خط سرحد از طرف جنوبی آقداغ کوچک کنار رودخانه الوند مقابل بسلسله کوههای بازی دراز که در آنجا بکوه گچ مشهور است شروع مینماید و از هر جا با قله سلسله کوههای آقداغ بزرگ و قشقه تا امتداد آن بمحل اتصال رودخانه قوره تو برود سیروان و از آنجا بارودخانه سیروان تا محل التحاق رود ضمکان برودخانه مذکوره منتهی میشود و این خط تمامی سرحد جبالیه شرقیه ولایت زهاب را بیان مینماید اگر هر کس بیک طرفه العین نظر کند بلا شك خواهد دید که طرف شرقی خط مذکور همه عبارت از کوه و دره و جبال متصله است و بسیطه غربیه متصله در طرف غربی خط محدود خواهد بود و این ادعا کلاً مطابق معانی صریحه و واضحه قرارنامه ارزنة الروم است و این چنین خط و قرارداد فقط میتواند آن معابر و گذرهای جبالیه که باندرون مملکت ایران وسیله تردد است از تجاوز غیر مصون و محفوظ دارد و شك نیست که منظور اصلی دولتین فخیمتین متوسطین از قرارنامه ارزنة الروم

حفظ کردن همین معنی بود که دولت ایران را از هجوم غیر مترقبه و اتفاقیه دولت عثمانیه محفوظ دارند. چون بر حسب عهد نامه آنچه متعلق بسرحد ولایت زهاب و در این مقام لازم بود بطور اختصار اظهار شد حالا چنین لازم میدانم که برای توضیح مطلب وقره درخصوص قریه خرابه زهاب که زراعتگاه و فضای آن قریب بیک فرسخ از مشرق بمغرب و یک فرسخ و نیم از جنوب بشمال است ذکر نمایم. قریه خرابه مزبوره در دامنه کوه بلند و بزرگ مشهور بگامیشان بوضعی واقع است که گوشه بالای همان قریه بکوه مزبور چنان متصل است که گلوله طپانچه میرسد و بقدر چند دقیقه راه در طرف شرقی قریه مزبوره یکی از گذرهای جبالیه معتبره که باندرون مملکت ایران امتداد می یابد واقع است و اگر بخلاف قرارنامه اتفاقاً محللای مزبوره بتصرف دولت عثمانیه بیابد ضرر بیحد و فاحش برای دولت ایران خواهد داشت و اگر بالفرض نص صریح قرارنامه برای سند تمامی ادعای مخلص در دست نبود باز بدستدار لازم می نمود که از برای رفع چنین ضرر کلی بانصاف و درستکاری جناب مأمورین متوسطین مستمسک باشم تا مملکت دولت متبوعه خود را از حدوت چنین محدور محفوظ دارم و بخاطر جناب ایشان بیاورم که محض ملاحظه آزادی کشتیهای بصره در شط العرب و زیادتی قدرت و قوت دولت عثمانیه در آن سرحد توسط میگردند که امنای دولت ایران چندین فرسخ نخلستان معظم و محل زراعت معتبر ملک و مخصوص عشیرت چمبرا در طرف یسار شط العرب بخلاف نص قرارنامه بدولت عثمانیه واگذار نمایند بنابراین تعیین صریح حاصل است که جناب مأمورین متوسطین برای صیانت و انضباط معابر و گذرهای جبالیه ولایت زهاب این ادعای مخلص را که کاملاً با نص صریح قرارنامه مطابق است، قبول نموده بدون ذره زیاد و کم بدولت علیه ایران واگذار و مناسب خواهند دانست.

این خیر خواه بیان نمودن حقیقت امر موافق نص قرارنامه و قطع کردن طمع خود از حرص و ادعاهای زیاد همه، تمام نمودم که نوشته خود را بحسب المقتدر





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتبه اول، تهران، ایران

از راست بچپ : ۱- مجید سنجایی از طایفه براز ، ۲- حیدرخان سنجایی از طایفه لای ،  
 ۳- مرحوم مصمم الممالک سنجایی ، ۴- مرحوم فرمانفرما والی کرمانشاه ، ۵- سردار ناصر سنجایی  
 ۶- مرحوم سردار مقتدر سنجایی ، ۷- سالار ظفر سنجایی ، ۸- آقای رشید یاسمی هورانی ،  
 ۹- فتح‌الله خان سنجایی

مختصر کنم زیرا که اولیای دولت ایران هرگز چنین خیالات خلاف ندارند و لکن فراموش نباید کرد که ترك كردن دولت علیه ایران حق و ادعای چندین ساله خود را در خصوص ولایت سلیمانیه متعلق است بدون کم و کسر و انجام رسیدن قرار نامه ارزنة الروم چنانکه بیشتر ذکر کرده ام که جناب مأمورین متوسطین چنین مصلحت میدیدند که چندین فرسخ نخلستان و ملك حق دولت ایران را بخلاف نص قرارنامه بدولت عثمانیه واگذار نمایند لهذا البته تمامی ادعای اینجناب را که برای حفظ و حراست معابر و گذرهای جبالیه مذکوره که بجهت مملکت ایران ممتد میشود قبول و صلاح خواهند دانست و بهمین جهت و دلیل ادعا مینمایم سلسله کوهها و خط طراحي سرحد ولایت زهاب که بیان نموده ام مطابق خلقت زمین و موافق نص قرارنامه اخیر است. انتهى

ترجمه تهریر جنابان کلنل چریکاف و کلنل ویلیومس واسطفروس وانگلیس در باب سرحد زهاب که در مجلس بیست و ششم ربیع الاول سنه ۱۲۶۸ بفرانسه بیان نموده اند :

« مأمورین متوسطین پس از آنکه ادعای متعلقه بسنجاغ زهاب مأمورین اسلام را استماع کردند برای اینکه حقیقه منطوق عهد نامه اخیره ارزنة الروم کما هو حقّه مجری گردد لازمه تفحصات محلیه را مرعی داشته کمال دقت و تأمل را در ادعای های مذکوره نمودند علیهذا بر حسب رأی مأمورین متوسطین ادعای مأموردولت علیه عثمانیه که از قلل کوههای بزرگ نزدیک بحدود شرقیه زهاب گذشته است کانه هیچ محل سنجاغ مزبور را بایران وانمیگذارد و از طرف دیگر ادعای مأمور دولت علیه ایران بدولت عثمانیه چیزی ترك نمیکند مگر اراضی مسطحه کائنه در اواخر جهت غربی سنجاغ مزبور را. ملاحظه و مقابله ادعای طرفین مأمورین متوسطین را باین واداشت که وضع طبیعی اراضی سنجاغ زهاب را بطوریکه مطابق عهد نامه باشد تصور عموماً نه نمایند و چنین مناسب میبینند که اولاً صوراً جمالی طبعوغرافیه را ظاهر ساخته پس از آن جهت تقسیم انطباق سنجاغ مزبور رأی خودشان

را مطابق قواعد عقل و حکمت از صور مذکوره تحصیل کنند. سنجاغ زهاب مرکب از سه قطعه مختلفه است: قطعه اولی در طرف شرقی سنجاغ عبارت از کوههای بلند و برخی دره ها و شعب کم ارتفاع متفرعه از کوههای مزبوره است که حد فاصل این قطعه و دو قطعه دیگر از رودخانه سیروان ابتدا کرده با سلسله های کوههای بموبیان- زرده گذشته بمحل موسوم بطاق گرا منتهی میشود و قطعه ثانیه که متصل بقطعه اولیست سلسله برخی کوههای متوازیه و متوسط الارتفاع از قبیل باغوه کوه و آسنگران و بیشکان و آقداغ و امثال آنها از میان آن گذشته و در میان این سلسله بعضی اراضی بسیطه و بعضی بسیطهای کائنه در اراضی مرتفعه موجود است که حد غربی این قطعه از آقداغ میگردد و این قطعه را موسوم بقطعه وسطی میداریم و پس از اینها قطعه ثالثه که در طرف مغرب واقع است عبارت از اراضی مسطحه ایست که از نشیب غربی آقداغ بمحل التحاق دو رودخانه سیروان والوند و بسواحل داخلیه آنها ممتد میشود و در این اراضی مسطحه بغیر از سلسله موسوم به جبل مروارید که نسبت بکوههای واقعه در قطعه ثانیه هم کم ارتفاع تر است کوه دیگر نیست. در این صورت بر حسب اقتضای بیانی که موافق اصول طبوغرافیه بعمل آمد مأمورین متوسطین گمان میکنند که هیئت و اسلوب قطعه اولی و ثالثه بدرجه ظاهر و آشکار است که بروفق عهدنامه تقاضای ترک آن محلها بکدام طرف جای شبهه نمیباشد. آمدیم بقطعه وسطی که ادعاهائی که از طرفین منتفعین نسبت بقطعه مذکوره اعلام شده است بی اساس نیست ادعای دولت ایران بعلمت بودن چندین سلسله کوههای معظم در آن قطعه و ادعای دولت عثمانیه بواسطه کائن بودن پاره اراضی مسطحه و اراضی مرتفعه مسطحه در پایین آن کوهها میباشد بنا بر این مأمورین متوسطین باقتضای کمال اصلاح ذات البین بیان کردن رأی خودشان را که مؤسس بکمال اعتدال و منطبق بتصورات جغرافیه است واجب ذمه خود میدانند همچوکه آنها تکلیف میکنند خط فاصلی را که ابتداء از طرف نقطه شمالی ولایت مذکور از جائی که سلسله کوه بمو بس رودخانه سیروان

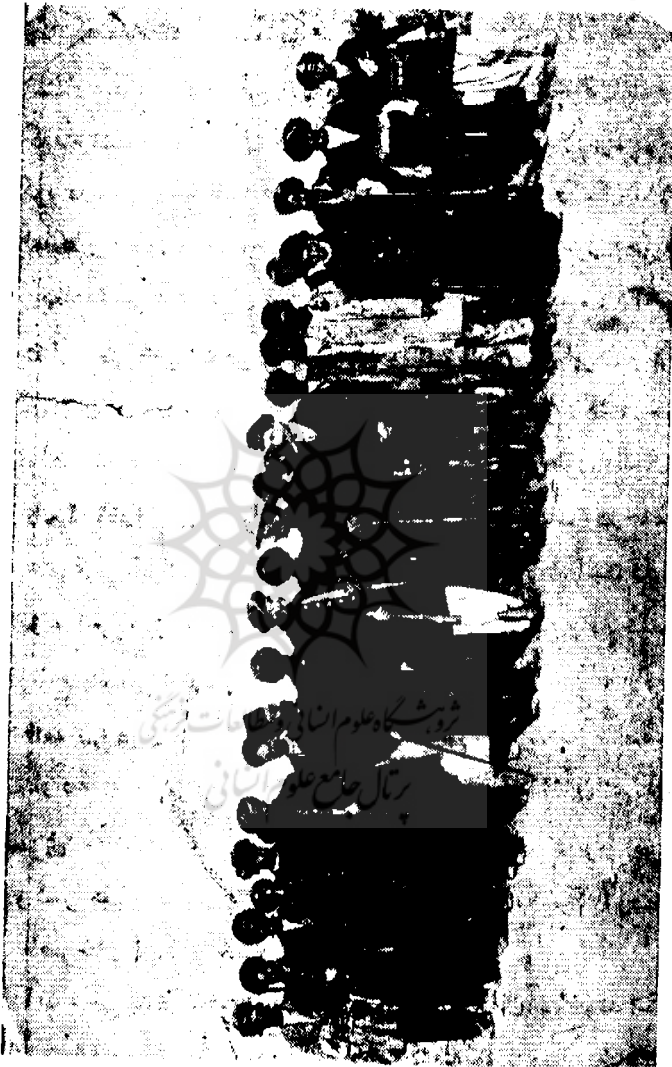
متصل میشود شروع کرده و از آنجا رو بجانب جنوب با قتل کوه مذکور بمو بقلعه کوهی که اصل بمو تعبیر میشود گذشته دائماً با سر بلندیها بکوه باخوه کوه رفته از آنجا بفری جنوبی میل کرده از روی کاه سلسله آسنگران و علی الدوام از روی ذروهها گذشته برودخانه الوند که نهایت جنوبی خط فاصل است واصل میشود و از آنجا با مجرای رودخانه مزبوره رو بپایین رفته بسر خطی که من بعد بمندلیج تکلیف خواهد شد بر میخورد.

اسامی این سلسلهها و ذروهها اگرچه در فوق بر سیل اجمال ذکر شده و لکن خطی که در روی خریطه باید کشیده شود تفصیلات آنها را بیان خواهد کرد همه اراضی واقعه در طرف شرقی این خط تکلیف شده یعنی دره شمیران و تنگه دربند خان و پشتکوه بعبارة آخری پشتکیف و دره جگیران و دشتهای زهاب و سرپل و بشیوه و دره های قلعه شاهین و دیره و کافه اراضی واقعه در جانب شرقی اینها بدولت ایرانیه میماند و تمامی اراضی واقعه در طرف غربی خط مرز یعنی صحراهای هرشل و حورین و میدان و شیخان و سر قلعه و دره قوره تو و بسیطهای مرتفعه کائنه در مابین سلسله آسنگران و قصر شیرین الی رودخانه الوند و کافه اراضی واقعه در جانب غربی اینها بدولت عثمانیه میماند.

نتیجه کلام مأمورین متوسطین تفصیلات چندی را در خصوص تصورات جغرافیه که در حال مراعات آن در حدود واقعه مابین دو دولت لازم است از جمله واجبات میدانند. خطی که تکلیف شده است معابری را که بدرون ممالک ایران ممتد میشود بدولت مشارالیها تأمین میکند و برای عشایر ایرانیه نیز که در کوههای این جوار ساکن هستند مرعی زمستانی داده اسباب معاش آنها را در محل موسوم بسرپل نیز پیش از آنکه بممالک عثمانیه مرور کنند مینماید و درباره دولت عثمانی خط مذکور اراضی واقعه در جوار سیروان را تا بمو و اراضی واقعه در سمت پایین رود الوند را همگی بهم متصل و ملک عثمانی میسازد و مابین ایلات ایران و خاقین که اقرب آبادی

ملك عثمانیه بحدود استل و ماهور واقعه درمابین قصر شیرین و سرپل و بهورا  
حایل مینماید .

در این صورت دو مملکت همجوار در این حوالی باطمینان تام مقابل مسایل



ردیف جلو از راست بچپ : کتابچن خان (شخصی که دارای هاپو و بازوبند سیاه است)  
صمصام‌الممالک (دروست)، شیخ‌الملک کرمانی (شخصی که دارای عصاست)

خواهندگشت و تصادم محتمل الوقوع عشایری که بر حسب تجربه های ماضیه میان دو دولت اسلام مایه مشاجره و اختلافات و مصدر باره حرکات خلاف میبودند کمتر واقع خواهدگشت . انتهى .

چنانکه ملاحظه شد عثمانیها قسمت عمده زهاب را بنام مناطق غربیه و مسطحه زهاب باستناد عهد نامه ارزنة الروم ادعا داشتند بهمین جهت هیچوقت نتیجه ای از این مجالس گرفته نشد و نمایندگان دول اربعه متفرق شدند تا بالاخره پس از چندین بار مذاکره در سالهای مختلف آخرین کمیسیون تحدید حدود در سال ۱۹۱۴ بریاست اعتلاء الملك و حضور و حکمیت نمایندگان روس و انگلیس مرز فعلی جدید معین و بعد در معاهده سرحدی ایران و عراق در تاریخ سیزدهم تیرماه ۱۳۱۶ شمسی عین آن باسثناء بعضی تغییرات جزئی تأیید شد و بتصویب دولتین ایران و عراق رسید .

چون در مبحث مربوط بایل گوران و کلهر از کلیه مناطق زهاب و جغرافیای آن بحث خواهد شد در اینجا تنها بذکر مناطق متعلقه بسنجاییها بطور اختصار میپردازیم :

**ناحیه آقداغ - آقداغ دنباله کوهها و مرتفعات زهاب و درحقیقت از شعب سلسله های غربی ایران یا باصطلاح محل از شعب کوه دالاهو است دارای زمینهای هموار و مراستی سبز و خرم . آقداغ در مغرب قصر شیرین واقع شده و جز کوه**

و ارتفاع چندانی ندارد .

**قلعه سبزی - این ناحیه در جنوب قصر شیرین واقع شده و خالصه دولتی است مرکب از دهات و مزارع و مراتع متعدد و دهات عمده آن عبارتند از : ده قلعه سبزی که در مرکز این ناحیه واقع است و ده های درون جق (بفتح دال و واو و کسر جیم و سکون راه و نون) و قلعه شامولک (بکسر لام) و ده سید فتوح و خر ناصر خان (بکسر خاء و تشدید راه) .**

آب مهمی که از ناحیه قلعه سبزی عبور میکند همان آب الوند است که از کوههای شمالی سر پل و از ریز آب سرچشمه گرفته در نزدیکی خاتقین برود دیاله میریزد .

رعایا و ساکنین دهات قلعه سبزی سنجاییها هستند و در زمان پیشین که حکومت قصر شیرین و سرحد داری غرب بمدت مدیدی برؤسای طایفه سنجایی و اگذار شده بود ناحیه قلعه سبزی هم که پیوسته خالصه دولتی بوده است برای محل سکونت قسمتی از سنجاییها اختصاص داده شده بود و همیشه قلعه سبزی یکی از مراکز مهم سرحدی ایران محسوب میشده و در این ناحیه تصادمات با طوایف عثمانی و عراقی اتفاق می افتاده است.

ده قلعه سبزی در کنار جاده واقع است و همیشه مرکز قره سوران و سواران سنجایی که برای حفظ امنیت راه و سرحد در آنجا اقامت داشته اند بوده است.

از ده های معروف دیگر قلعه سبزی خسروی است که سابقاً نام دیگری داشته و امروز از لحاظ سرحدی حائز اهمیت است، همچنین ده های سرحدی (بفتح کاف و تشدید راه) در کنار رود الوند و ولدکشا در همین ناحیه.

**باغچه و قطار** - این قسمت در جنوب ناحیه قلعه سبزی و شامل ناحیه وسیعی بوده که قسمت عمده آن در خاک عراق فعلی تا حدود جبل قزل رباط ادامه می یافته است و بطوریکه قبلاً اشاره شد طوایف عراقی در این قسمت مزاحم استفاده سنجاییها از محلات خود بوده و غالباً اجازه ورود بایشان را نمیداده اند بعلاوه بعضی طوایف عراقی در این حدود دهات و مساکن ثابتی برای خود ایجاد کرده و در نواحی مزبور استفاده مالکانه مینمایند. مهمترین دهات مزبور که جدیداً بتوسط رعایای عراقی احداث شده ده معروف به شیخ خان رده نیکند (بفتح نون و کاف و سکون نون) و ده محمد خدر میباشد.

کوه های باغچه و تمام ناحیه قطار و کوه قطار فعلاً در خاک عراق واقع است



و قسمتی که در ایران باقی مانده مراتعی است که دارای ده و آبادی نیست و در محل اسامی مخصوص بآنها داده شده است. مهمترین این مراتع عبارتند از محل هفت تپان و بان گیانه (بکسر کاف) و میان آب که رود خانه معروف به چم کنگاکش از آنجا عبور میکند و بنفت شاه که یکی از نواحی فعلی سرحدی و متعلق بسنجاییها بوده است منتهی میشود همچنین محل کن کبود و بابا آدم و تق تق (بفتح تاء اول و دوّم) و مراتع دارخور و مراتع و محل سمرلان (بفتح کاف فارسی) و محل خرمرده و چقا سرخ و هولکان و خان لیلی و گل حسین و تنگاب.

شک میان در مشرق این ناحیه و بر پلنگ جزء نواحی گیلان غرب از محال طوایف کلهر بشمار میرود.

**مراتع زهاب -** جلگه زهاب یکی از حاصلخیزترین و پربرکتترین نواحی ایران است و آن در شمال قصبه سرپل و در دامنه کوههای دالاهو واقع است. حاصلخیزی زهاب بحدیست که ممکن است تاسه محصول در یکسال از یک زمین برداشت و بذری پنجاه بندر بهره متوسط زمینهاست ولی متأسفانه در این ناحیه باستثنای بعضی دهات کوچک آبادی و زراعت و کشت و کار حساسی نیست و اکنون بیشتر ناحیه زهاب بصورت مرتع درآمده و علف آن در اوایل بهار بطور زیست که در بعضی جاها اسب در خلال آن ناپدید میشود این ناحیه حاصلخیز که خالصه دولت و محل مرتع طوایف گوران و سنجایی بوده است درازا، بعضی املاک خوانین کلهر که ضمیمه املاک شاه سابق شده بود بکلهرها واگذار گردیده است و اکنون قسمت عمده آن در تصرف ایشان است. دهات معروف این ناحیه کلاره (بفتح کاف و راه)، برخ باران (بفتح باء)، تنک حمام، قلمه (بفتح قاف و لام و میم)، پس پس (بکسر هر دو باء فارسی)، پیران و دستک میباشد.

(بقیه این سلسله مقالات را انشاء الله در سال پنجم مجله چاپ خواهیم کرد.)